

روزنه

دور تازه مذاکرات هسته‌ای در وین

● شرق: مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ همچنان ادامه دارد. پس از تفاهم لوزان مقرر شد دو طرف براساس راه‌حل‌های به‌دست‌آمده در پایان آن دور از مذاکرات، تا روز ۳۰ ژوئن نگارش متن توافق‌نامه نهایی را به انجام برسانند. این امر از چند هفته پیش آغاز شده و هم‌زمان با آن مذاکرات طرفین در جریان است. در همین راستا، معاونان محمدجواد ظریف، برای برگزاری دور جدید مذاکرات در چارچوب نگارش متن توافق، بامداد امروز راهی وین شدند. عراقچی و روانچی، امروز با هلگا اشمید، معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، دیدار خواهند کرد. اعضای تیم مذاکره‌کننده ایران با سایر اعضای ۵+۱ هم دیدار خواهند داشت. در همین رابطه معاون امور حقوقی و بین‌الملل و سخنگوی سازمان انرژی اتمی با اشاره به گزارش آمانو در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران گفت: «صرف‌نظر از بخشی از گزارش که می‌گوید نمی‌توان صلح‌آمیز بودن موارد اعلام‌نشده فعالیت‌های ایران را اعلام کرد، این گزارش در ابعاد مختلف مثبت است». از سوی دیگر، عباس عراقچی، عضو ارشد تیم هسته‌ای ایران، در پاسخ به اظهارات آنتونی بلینکن، معاون وزیر خارجه آمریکا، گفت: «در صورتی که توافق نهایی حاصل شود، دارای دوره زمانی مشخصی خواهد بود و هیچ‌یک از تمهیدات پیش‌بینی‌شده در آن دائمی نخواهد بود». او افزود: «البته تعهداتی که ایران براساس معاهدات بین‌المللی همچون ان‌بی‌تی پذیرفته است، تا زمانی که الحاق ایران به این معاهدات ادامه دارد، مداوم خواهد داشت. تمسک طرف آمریکایی به این قبیل تعهدات که برای مصارف داخلی یا راضی‌کردن متحدان صورت می‌گیرد، صرفا یک مغالطه بی‌ارزش است». پیش از این آنتونی بلینکن، معاون وزیر خارجه آمریکا، مدعی شده بود «توافقی که ما در حال مذاکره برای رسیدن به آن هستیم، مدت انقضا ندارد. این‌طور نیست که بگوییم غروبی در کار است و یک روز تمام می‌شود. ملزومات مختلف این توافق‌نامه مدت‌زمان‌های متفاوت دارد و برخی از بخش‌های آن اعم از تعهد ایران به تمامی وظایفش تحت ان‌بی‌تی مانند عدم ساخت سلاح‌های اتمی یا دسترسی‌ها و نظارت‌های شدید پروتکل الحاقی، به‌طور دائم ادامه خواهند داشت». بلینکن همچنین با اشاره به اینکه به ضرب‌الاجل پایان ژوئن نزدیک می‌شویم، مدعی شده بود ممکن است تا آن زمان به توافقی دست پیدا نکنیم.

حدود ۵۰ سالی است که این منطقه را زیرنظر دارم. سطح آشوب در خاورمیانه امروزه بالاتر از هر زمان دیگری است. در میان این توفان کامل، دراماتیک‌ترین چرخش در سیاست سعودی‌ها، حداقل از زمان جنگ‌جهانی دوم به وقوع پیوسته است و این نشانه نقطه‌عطفی خطیر در روابط عربستان سعودی با محافظان تاریخی‌اش، ایالات‌متحده و با همسایگانش در خاورمیانه است.

اصرار رژیم سعودی بر برجسته‌کردن خطرهایی که این پادشاهی را تهدید می‌کند - در چارچوب عبارت اساسا فرقه‌گرایانه سنی علیه شیعه- آنها را به طرزی فزاینده در تضاد با اربابان آمریکایی‌شان قرار می‌دهد و می‌تواند منجر به بروز درگیری شود که قابل مقایسه با جنگ ۳۰ ساله اروپا (در قرن هفدهم میلادی) است؛ یک جنگ وسیع مذهبی که یک فرهنگ کامل را نابود کرد. عاملی که استراتژی عربستان سعودی را به پیش می‌راند، ترس از هژمونی منطقه‌ای ایران است. «گاردگرفتن» در برابر ایران چیز جدیدی نیست، اما از روزهای اول دولت کلینتون، عربستان سعودی قادر بوده برای مهار ایران بر واشنگتن تکیه کند. ایالات‌متحده، دولت انقلابی ایران را با پایگاه‌ها و نیروهایش و فشارهای اقتصادی فزاینده محاصره کرده بود. این سیاست پس از اینکه دولت «جورج بوش پدر» پیروزی بزرگ خود علیه نیروهای صدام حسین را رقم زد (سال ۱۹۹۱)، شروع شد و درحالی‌که اتحاد شوروی در حال فروپاشی بود، ایالات‌متحده را تبدیل به تنها قدرت نظامی در خلیج فارس کرد.

پس از آن دولت کلینتون تعادل حاصل از مواجعه ایران یا عراق را در تقابل با دیگری مورد ملاحظه قرار داد و سیاست «مهار دوگانه»، راهی برای حفظ درجه‌ای از ثبات منطقه‌ای، به منظور حفاظت از دولت‌های کوچک نفت‌خیز عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس شد. «مارتین ایندیک»، رئیس سیاست خاورمیانه‌ای در شورای امنیت ملی دولت کلینتون، در این مورد گفته بود: «در شرایطی که عراق به وسیله تحریم‌های سازمان ملل مهار شده و ایران از هشت سال جنگ با عراق آسیب دیده بود، ایالات‌متحده این امکان را یافت که هم با حکومت عراق و هم با حکومت ایران مقابله کند». ایندیک افزوده بود: «حالا دیگر نیازی به اتکا به یک طرف برای متعادل‌کردن طرف دیگر نداریم. تلاش ایالات‌متحده برای مهار عراق هنگامی خامه یافت که

جنگ عراق (سال ۲۰۰۳) آغاز شد، اما ایالات‌متحده به استراتژی خود برای مهار ایران ادامه داد. این هدف پس از اینکه «بوش پسر» به افغانستان حمله و طالبان - که بدترین دشمن ایران در شرق بود- را برانکذه کرد و بعد هنگامی‌که به صدام‌حسین - بدترین دشمن ایران در غرب - حمله و به جای او یک دولت شیعه متحد ایران را بر سر کار آورد، عملا به پایان رسید. اگرچه دخالت ایران در این فرایند حداقلی بود، اما ایران یک‌شبه تبدیل به بانفوذترین دولت دربی خلیج‌فارس شد. این نفوذ منطقه‌ای حتی هنگامی‌که ایالات‌متحده سنگین‌ترین تحریم‌ها را علیه ایران به‌کار گرفت، همچنان توسعه یافت.

اکنون برزیدنت اوباما در فرایند جایگزین‌کردن سیاست مهار ایران با سیاستی مبتنی بر تعامل محدود با ایران است. سروصدای زیادی علیه این تغییر و چرخش در سیاست واشنگتن - تقریبا از سوی همه دولت‌های منطقه؛ از اسرائیل تا عربستان سعودی- به‌پا شده است. کشورهای منطقه از گذشته دور به اینکه آمریکا به‌عنوان یک کلاتر منطقه‌ای، دست‌تتها تضمین بدهد که ایران ایزوله و زیر فشار باقی بماند، عادت کرده‌اند. دولت‌های سنی عرب این منطقه به طرزی دوپهلو ادبیات نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، را به‌کار می‌گیرند که مدعی است ایران در جست‌وجوی سلاح هسته‌ای است. در پاسخ به چنین نگرانی‌هایی است که ایالات‌متحده راه مذاکره برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را در پیش گرفته است. در کمال تعجب همگانی، این تلاش منجر به توافق اولیه در ماه نوامبر سال ۲۰۱۳ و یک اعلامیه رسمی در مورد پارامترهای یک توافق‌نامه نهایی در آوریل ۲۰۱۵ شد و کار روی پیش‌نویس توافق‌نامه نهایی به‌خوبی در دست اقدام است.

با وجود اینکه چشم‌انداز توافق، به طرزی دراماتیک احتمال دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را کاهش می‌دهد، اما عکس‌العمل کشورهای منطقه - از

تحلیل «گری سیک»* از تفاوت نگاه واشنگتن و ریاض در مورد تهران

اوباما دنبال صلح، شاه عربستان خواهان جنگ

ترجمه: شهرام زربندار

(رژیم) اسرائیل گرفته تا دولت‌های عرب خلیج‌فارس- چیزی نزدیک به هیستری بوده است.

این نوع عکس‌العمل به‌روشنی نشان می‌دهد که نگرانی‌های طرح‌شده از سوی دولت‌های عرب و اسرائیل، واقعا در مورد خطر سلاح‌های هسته‌ای نیست بلکه نگرانی آنها ناشی از رشد و توسعه سریع نفوذ سیاسی ایران در منطقه است. ظاهرا ترس آنها این است که خلاص‌شدن از تحریم‌های اقتصادی به همراه نمایش مهارت ایران در مذاکره باعث شود دولت جهان، باعث تشدید نفوذ سیاسی تهران در سرتاسر منطقه شود. این در حالی است که نخبگان امنیتی اسرائیل فریادهای نتانیاهو را در مورد خطر بالفعل ایران رد می‌کنند. در واقع امر، نه اعراب و نه اسرائیل هیچ جایگزین عملی‌ای برای راهبرد کنونی ایالات‌متحده ندارند، یا این‌همه مقاومت در برابر چرخش سیاسی اوباما در

کنگره آمریکا، در رهبری اسرائیل و در میان رهبران عرب سنی که می‌بینند منافع و نفوذ منطقه‌ای‌شان در برابر یک ایران درحال قوی‌ترشدن در خطر مواجهه است، قدرتمند باقی می‌ماند. با توجه به ظهور قدرت ایران در منطقه و چرخش ایالات‌متحده از سیاست مهار به سیاست تعامل مثبت با ایران، تعجبی ندارد که عربستان سعودی سیاست خارجی‌اش را بار دیگر بازنگری کند، اما سرعت چرخش استراتژیک و بزرگی‌اش میخکوب‌کننده بوده است. دهه‌های متمادی است که عربستان سعودی یک نقش کلاسیک مبتنی‌بر دولتی ضعیف با یک منبع درآمد مغرد (پول نفت) را ایفا کرده است. دولت عربستان سعودی روی برخورداری از محافظان قدرتمند سرمایه‌گذاری کرده و از نفوذ خود در پشت‌صحنه برای ارتقای درآمد‌هایی که نمی‌توانسته امیدي به تولید آنها توسط خودش داشته باشد، استفاده کرده است. احتیاط سعودی‌ها، افسانه‌ای است و آنها (در گذشته) پیوسته از در معرض سیاست‌های جنجال‌برانگیز قرار گرفتن دوری جستنه‌اند. صداالبته ایالات‌متحده و کشورهای بسیار

دیگری تاحدود زیادی مدیون سیاست‌های جدی و آگاهانه‌ای هستند که عربستان سعودی (در سال‌های قبل) در پیش گرفت؛ به‌ویژه در رابطه با سیاست‌های مهم و همه‌جانبه نفتی. من مطمئنم که هر ناظر جدی امور خاورمیانه می‌تواند مثال‌هایی از آنچه تحت عنوان قدم‌های اشتباه یا فرصت‌های از دست‌رفته عربستانی‌ها به حساب می‌آورند، پیدا کند. اما کدام دولت اقتدارگرایی دیگری در این منطقه آشوب‌زده را می‌توانید انتخاب کنید که دریایی از منابع با تأثیرات عمیق بر حیات همه انسان‌ها و همه اقتصادها در جهان را مدیریت کند؟ به‌نظر می‌رسد این سیاست باثبات و به‌دور از جنجال، ظاهرا پس از تغییر رهبری عربستان سعودی از میان رفته است. برتخت‌نشستن سلطان سلمان با انتصاب قابل‌توجه مقامات جوان، از معاونان و وزرا بر منصب‌های دولتی از سوی او همراه بوده است. سلطان جدید تنها در سه ماه اول دوران سلطنتش، ساختار حکومت سعودی را دگرگون کرده و آنچه بیشتر ناظران سیاسی عربستان سعودی تحت‌عنوان پیچیده‌ترین مسئله این کشور از آن یاد می‌کنند (مشکل پیری شاهزادگان) را حل کرده است.

در ۸۳ سال گذشته، نسل قدیمی حکام (پسران بنیان‌گذار پادشاهی سعودی) تاج‌وتخت را در اختیار داشته‌اند و در این کشور قدرت به‌جای پدر به پسر، از برادر به برادر رسیده است. سلطان سلمان در ۷۹سالگی به احتمال زیاد آخرین نفر از نسلی است که تاکنون حاکم بوده است. ولیعهد جدید، پسر برادر سلطان محمد بن محمد بن محمد بن نایف ۵۵ ساله است و جانشین ولیعهد - پسر محبوب سلطان سلمان محمد بن سلمان - حدود ۳۰سال دارد. این دو نفر نه‌تنها برخط جانشینان فرماندهی می‌کنند، بلکه از طریق دو کمیته عالی جدید تقریبا و تحقیقا مسئول هر مؤسسه عمده‌ای در سلطان‌نشین عربستان سعودی هستند (به استثنای گارد ملی). نسل جوان تقریبا به طرزی خلق الساعه از ولیعهدبودن در انتظار سلطنت به کنترل همه عناصر عمده قدرت در سلطان‌نشین رسیده‌اند. «استاد دانشگاه کمبلیا، که‌در شورای امنیت ملی در دوران رؤسای جمهوری جرالد فورد، جیمی کارتر و رونالد ریگان خدمت کرده است و مشاور اصلی کاخ سفید در مورد ایران در طول انقلاب ایران و بحران گروگان‌گیری بوده است. این مقاله با همکاری پروژه سیاست خارجی آمریکا در فارین پالیسی» به چاپ رسیده است.

کوتاه دیپلماسی

جهانگیری به ایران می‌رود

● فارس: «آردانشس تومانیان»، سفیر جمهوری ارمنستان در تهران، از سفر معاون اول رئیس‌جمهور به ایران در ماه آینده خبر داد و گفت: معاون وزیر خارجه ایران قرار است چندروز دیگر به ارمنستان سفر کند. او با بیان اینکه قرار است در چندروز آینده ابراهیم رحیم‌پور، معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت خارجه ایران، به ارمنستان سفر کند، این سفر را در چارچوب توسعه روابط دو جانبه بین تهران و ایران برشمرد. او افزود: قرار است آقای جهانگیری طی یک تا یک‌ماه‌و نیم آینده به ایران سفر کند. او همچنین عنوان کرد: چند نفر از وزرای ارمنستان نیز قرار است تا پایان سال جاری میلادی به ایران سفر کنند.

اعتراف به همسویی اسرائیل و عربستان علیه ایران

● تسنیم: «ران برورسور»، سفیر اسرائیل در سازمان ملل، با بیان اینکه در وضعیت حساس و هرج‌ومرج فعلی در منطقه باید از فرصت‌ها بیشترین استفاده را کنیم، گفت: اکنون منافع عربستان سعودی با اسرائیل هم‌پوشانی پیدا کرده و باید از آن به‌نفع خودمان استفاده کنیم. او با ابراز ناراحتی از اینکه سازمان ملل در کنفرانس دفاع از حقوق زنان به‌جای محکوم‌کردن ایران و عربستان، اسرائیل را محکوم کرده، مدعی شد: سازمان ملل هیچ توضیحی نمی‌تواند بدهد که چرا نام اسرائیل را در فهرست ناقضان حقوق بشر قرار داده است.

دفاع سفیر تهران در باکو از ایرانی‌بودن نادرشاه

● ایسنا: «محسن پاک‌آیین»، سفیر ایران در باکو، درباره انتشار کتابی در جمهوری آذربایجان با هدف تحریف تاریخ ایران گفت: نگارش چنین کتاب‌هایی نمی‌تواند وقایع مستند تاریخی را خدشه‌دار کند. چندی پیش آکادمی ملی علوم جمهوری آذربایجان، از کتاب تألیف‌شده توسط «رامیز مهدی‌اف»، رئیس نهاد ریاست‌جمهوری این کشور، که مدعی است جمهوری آذربایجان وارث دولت افشاری است، رونمایی کرد. پاک‌آیین در ادامه گفت: دخالت‌های اخیر غرب در امور داخلی آذربایجان که منجر به سردی اخیر مناسبات جمهوری آذربایجان با غرب شده، بر روابط باکو-تل‌آویو نیز تأثیرگذار بوده است.

سینمای هنر و تجربه تقدیم می‌کند

برنامه سینماهای پردیس سینمایی فرهنگ. پردیس سینمایی کورش خانه هنرمندان . موزه سینما پردیس سینمایی‌هویزه (مشهد) . تالار سینمایی سوره (اصفهان) کاپری (گرگان) . ساحل (اهواز)

